

یادداشت

فدرالیسم؛ رؤیای قرن بیستم



محمود اشرفی

فدرالیسم؛ انگاره‌ای سیاسی که در سال‌های پایانی قرن بیستم تذبدا دگرگونی‌ها آن را ناکارا و کم‌رنگ کرد. اتحاد جماهیر شوروی سابق فدراسیونی دربرگیرنده جمهوری‌های قومیتی با چیرگی دولت مرکزی و حزب کمونیست بود. اما درواقع نظام ایدئولوژیک مرکزی ملاط پیوستگی جمهوری‌های مبتنی بر قومیت‌ها بود. یک درهم‌آمیختگی سیاسی ناپایدار که اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم از هم فروپاشید. حکومت فدراتیو یوگسلاوی نیز به دنبال کشمکش‌های قومیتی با شکل‌گیری چند کشور جدید به تاریخ پیوست. علت پایداری حکومت فدرال در ایالات متحده آمریکا نیز در ماهیت ویژه این شیوه اداره سیاسی است. حکومت فدرال آمریکا نه بر پایه تقسیمات قومیتی، بلکه براساس توانایی‌های محلی و قابلیت‌های جغرافیایی و بهره‌برداری از آنها در راستای منافع ملی است. شیوه اداره فدرال در آلمان و سوئیس نیز برای اداره بهتر کشور است. در خاورمیانه تجربه سیاسی چندانی درباره حکومت فدرال وجود ندارد و تنها در دوران چیرگی عثمانی‌ها مدلی ابتدایی و توسعه‌نیافته از چیرگی فدراتیو وجود داشت که در پایان جنگ اول جهانی با ایجاد کشورهای لبنان، سوریه و عراق از بین رفت. در عراق امروزی، تشکیل اقلیم خودمختار کردستان عراق بیش از آنکه شیوه اداره فدرال باشد، نشانگر یک اَهم‌گسختگی و ناپایداری سیاسی است. خاورمیانه سرزمینی پراشوب و تاریخی پر از کشمکش‌های سیاسی و نظامی دارد. در هر گوشه خاورمیانه قومیت‌ها و باورها در هم تنیده‌اند. به طور مثال در هر دو سوی رود اردن، مذاهب و باورهای وجود دارد که رهاورد رویارویی و تأثیرات متقابل باورهای گوناگون است. در باورهای دروزی، بکتاشی، ایزدی و… می‌توان دامنه گسترده‌ای از باورهای مهرپرستی و مسیحیت را پیدا کرد. در چنین سرزمین‌هایی وقتی قومیت نیز همراه با باورها شود، شکل‌گیری حکومت فدراتیو امکان‌پذیر نخواهد بود. ویژگی‌های کشورهای خاورمیانه مجالی برای به‌وجودآوردن حکومت فدرال را نمی‌دهد. در این کشورها وجود یک دولت مرکزی نیرومند که در راستای منافع ملی گام بردارد، بهترین شیوه اداره کشور است.

وقتی مردم غایب‌اند

واقعیت آن است که آقای پزشکبان چه در مراسم تنفیذ و چه در دیگر سخنان خود در مناظره‌ها و مصاحبه‌ها و… بر اجرای بی‌مک‌واست سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین مصوب تأکید کرده و چنین می‌پنداشت که در صورت عمل به این‌ نظامات قانونی، همه مشکلات مرتفع می‌شوند. باروی عملیاتی خود را نیز دستگاه بوروکراتیک و اداری می‌دانست که با سر راه برداشته می‌شود. غافل از آنکه نه آن انبان سیاست‌ها و قوانین و مقررات و… مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ و مبتنی بر علم و واقعیات و امکانات جامعه ایرانی است و نه حتی اگر چنین باشد، باز می‌توان تصور کرد با اراده و دستور یک نفر یا گروه (رئیس‌جمهور و وزرای کابینه و…) این آرمان‌ها و آرزوها به‌راحتی محقق شود. چنان‌که آرزوهایی مانند: متوسط رشد هشت درصد و تورم زیر ۱۰ درصد و کاهش فقر و توقف خام‌فروشی منابع طبیعی، تمرکززدایی در ساختار اقتصادی-مالی کشور، بهره‌گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی و… که در سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان و برنامه‌های مختلف توسعه‌ای (هفت برنامه) ذکر آنها رفته و اما هیچ‌یک به ثمر نرشته و چسباً وضع از قبل از چنین هدف‌گذاری‌هایی وخیم‌تر هم شده است؛ رشدهای پایین (متوسط دو تا سه درصد) و تورم‌های بالا (۳۰ تا ۴۰ درصد) و افزایش فقر (۳۰ درصد جامعه زیر خط فقر مطلق)، نازاری‌های انرژی و محیط‌زیستی و بودجه‌ای و بانکی و دیپلماسی و تأمین اجتماعی که آه از نهاد همگان و حتی مقامات حکومتی که باید پاسخ‌گوی این وضعیت باشند، هم برآورده است.

۲- هر نظم سیاسی را بر سه نهاد استوار می‌دانند: «دولت، حاکمیت قانون و سازوکارهای پاسخ‌گو بودن» (نظم و زوال سیاسی – فوکویاما)، بنابراین اگرچه نظم و انضباط و قدرت بوروکراتیک و کارشناسی امر بسیار مهمی در فرایند توسعه است، اما این قدرت و توان سازمان‌دهی به‌تنهایی و بدون حاکمیت قانون برآمده از اراده آزاد شهروندان و پاسخ‌گویی حکومت به جامعه در پرتو حق آزادی اندیشه و بیان و تجمع و… کارآمد نیست و هویت ملی را نمایندگی نمی‌کند. براساس این، برون‌رفت از اَبَرجالش‌های حاکم و حل منازعات فعلی که رئیس دولت چهاردم را به سبته آورده، بدون یک برنامه مشخص مبتنی بر تأمین منافع همه بازیگران و نه یک گروه خاص، ممکن نیست. چنان‌که درباره گذار از وضعیت پس از جنگ ۱۲روزه و نااطمینانی‌های آن (مثلاً سقوط ۱۵۰ هزار واحدی بورس در یک هفته گذشته و خروج دوجزرارو ۵۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از این بازار در یک روز و…) و بیم و نگرانی از تکرار آن روزها، گروهی از ذی‌نفعان از قاچاقچیان و فعالان اقتصاد نیرزمینی و رانت‌خواران و پول‌شویان و… وجود دارند که منفعت آنان در تداوم این بحران‌ها و تغییرنیافتن وضعیت در مسیر تعامل با جهان در قالب بازی برد- برد است. اینکه وزیر خارجه کشورمان با قاطعیت از این می‌گوید که «مسئله بین جمهوری اسلامی و آمریکا هیچ وقت حل نمی‌شود» یا سخنگوی شورای نگهبان در واکنش به درخواست برگزاری رفتاراندوم، می‌گوید: «از کجا معلوم به نتیجه پایبند باشند و نتیجه را بپذیرند»، درحالی‌که بخش‌های مهمی از جامعه چه دربارہ حل مشکلات با آمریکا و غرب و چه درباره سازوکار قانونی تغییرات مسالمت‌آمیز (دهم‌پرسی – اصل ۵۹ قانون اساسی) دیدگاه دیگری دارند (پایانه ۱۸۰ اقتصاددان و نامه جبهه اصلاحات و…) مبتنی بر چه منطقی در نظام حکمرانی است که یک ضلع آن پاسخ‌گو بودن نظام سیاسی به مردم است و نسبت آن‌ها امر توسعه چیست که در اسناد قانونی کشور بر آن تأکید شده و جز از طریق رضایت جمعی حاصل نمی‌شود؟!

۳- اگر وظیفه حکومت‌ها جز ایجاد نظم و امنیت و فراهم‌کردن رفاه و آسایش مردم نیست، که نیست، این مهم جز از طریق مشارکت مستقیم و چه غیرمستقیم همین مردم (از طریق نهاد و تشکلات‌های صنفی و مدنی و سیاسی) ممکن نیست. همان مسیری که روزنامه اصولگرا ظاهراً آن را تجویز و دولت را به انجام آن تشویق می‌کند، راهبردی که «با» دولت در مقام شهروندی بر خوردارند؛ یعنی خواهد داشت» (روزنامه جوان ۱۳۹۰/۵/۱).

واقعیت آن است که در غیبت مردم، دولت‌ها هر روز مستأصل‌تر و «گرفت و گیرتر» و شکاف دولت-ملت عمیق‌تر خواهد شد. اما مقصود از مردم چیست؟! این پرسش نه‌فقط مهم‌ترین پرسش این روزها بلکه شاید مهم‌ترین سؤال تاریخ معاصر این سرزمین بوده و تمام صنفی‌دین‌ها حول آن شکل گرفته است. در عقل سلیم و باور آزادی‌خواهان ایران، مراد از مردم کسانی است که از حقوق برابر در همه حوزه‌ها و زمینه‌های فکری و عقیدتی و اجتماعی در مقام شهروندی بر خوردارند؛ یعنی قبول عاملیت انسان ایرانی در اداره این سرزمین و زندگی و کسب‌وکارش و حرکت بر مبنای اصول و هنجارهای بین‌المللی در قلمرو خارجی. بدون چنین تعریف و حق و حقوقی و درک و عقلانیتی، در این باغچه چیزی سبز نخواهد شد و شور‌زاری خواهد شد و از خاطرات سبز هر روز تهی‌تر و… که چنین مباد.

شرق: درحالی‌که ضرب‌الاجل تعیین‌شده از سوی دونالد ترامپ برای رسیدن به توافق صلح میان مسکو و کی‌یف نزدیک می‌شود، تنش‌ها در جنگ روسیه و اوکراین به اوج جدیدی رسیده است؛ نه تهدیدها و وعده‌های واشنگتن توانسته‌اند معادلات را تغییر دهند و نه نشانه‌ای از عقب‌نشینی در مواضع سرستانه پوتین دیده می‌شود.

روزهای پیش‌رو می‌تواند لحظه‌ای مهم در سرنوشت جنگ روسیه و اوکراین رقم بزند؛ ضرب‌الاجل رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، برای دستیابی کرملین به توافقی صلح رو به پایان است. اما این مهلت می‌تواند بدون هیچ اتفاق تازه‌ای، به‌سادگی رنگ بپازد. استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ، قرار بود اواسط این هفته به مسکو سفر کند؛ درست پیش از آنکه ضرب‌الاجل ترامپ برای توقف کشتار از سوی کرملین به پایان برسد؛ ضرب‌الاجلی که در صورت بی‌نتیجه‌ماندن، می‌تواند با تحریم‌های اقتصادی شدیدتری از سوی واشنگتن همراه شود. پیش‌تر نیز وعده‌ها، تهدیدها و تلاش‌های ترامپ بی‌نتیجه مانده و بن‌بست سرسخت دیپلماتیک همچنان پابرجاست. هم‌زمان، اوکراین در خط مقدم جنگ بخش دیگری از قلمرو خود را از دست می‌دهد، هرچند هیچ نشانه‌ای از فروپاشی قریب‌الوقوع دفاعی آن دیده نمی‌شود.

استقبال کرملین از فرستاده ترامپ

براساس اعلام ترامپ، ویتکاف قرار بود پس از سفر به اسرائیل و غزه، چهارشنبه یا پنجشنبه وارد مسکو شود. رئیس‌جمهور آمریکا درباره این دیدار گفته: «آنها دوست



فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در روزهای سرنوشت‌ساز جنگ اوکراین، به مسکو می‌رود

ماراتن دیپلماسی در سایه آتش و تحریم

دارند ویتکاف را ببینند. خواسته‌اند که با او دیدار کنند، باید ببینیم چه می‌شود». ترامپ که از بی‌اعتنایی ولادیمیر پوتین به درخواست‌هایش برای توقف بمباران شهرهای اوکراین خسته شده، یک هفته پیش ضرب‌الاجل اعمال تحریم‌های بیشتر علیه روسیه را جلو انداخت و تهدید کرد تعرفه‌های ثانویه‌ای نیز برای کشورهایی که نفت روسیه را خریداری می‌کنند، از جمله چین و هند، در نظر خواهد گرفت.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، روز دوشنبه اعلام کرد: «همیشه از دیدار با آقای ویتکاف در مسکو استقبال می‌کنیم. گفت‌وگو با ایشان را مهم، سازنده و بسیار مفید می‌دانیم».

تردید درباره کارآمدی تحریم‌ها

ترامپ روز یکشنبه با لحنی تردیدآمیز گفت: روسیه در دوردن تحریم‌ها «بسیار کارگرفته» است. او درباره روس‌ها گفت: «آدم‌های زیرکی هستند». کرملین همواره تأکید کرده که تحریم‌های بین‌المللی که پس از حمله به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ وضع شده، تأثیر چندانی بر این کشور نگذاشته است. اما اوکراین اصرار دارد که تحریم‌ها ضربه‌ای جدی به ماشین جنگی مسکو وارد کرده و خواستار تشدید آنها از طرف متحدان غربی است. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، روز دوشنبه از ایالات متحده، اروپا و دیگر کشورها خواست تحریم‌های ثانویه بیشتری را علیه بخش‌های انرژی، تجارت و بانکی روسیه اعمال کنند. با این حال، اظهارات ترامپ نشان می‌دهد امید چندانی به اینکه تحریم‌ها پوتین را وادار به عقب‌نشینی کند، ندارد.

گروگان‌ها، بحران انسانی و جنگ روایت‌ها در نوار غزه

کمک‌هایی که به مقصد نمی‌رسند

بشردوستانه غزه (GHF) که با حمایت آمریکا و اسرائیل راه‌اندازی شده، به موج انتقاده‌ها دامن زده است. این نهاد از ماه می تاکنون نزدیک تا ۱۰۵ میلیون وعده غذایی در غزه توزیع کرده و ادعا می‌کند موفق شده است کمک‌ها را بدون دخالت حماس به دست نیازمندان برساند. بااین‌حال، به‌رغم این اقدامات، هر روز اخباری از درگیری، سرقت و حتی کشته‌شدن غیرنظامیان در نقاط توزیع کمک منتشر می‌شود.

درحالی‌که بنیاد GHF با وجود انتقاده‌ها اعلام کرده بیش از صد میلیون وعده غذایی در دو ماه توزیع کرده است، نمایندگان آمریکا و اسرائیل به‌تازگی از یکی از مراکز توزیع این نهاد در جنوب غزه بازدید و تأکید کردند این مدل، کمک‌ها را بدون غارت به دست مردم می‌رساند. بااین‌حال، درگیری و هرج‌ومرج در نقاط توزیع کمک و استمرار بحران انسانی، نشانه‌هایی است که بحران غزه را پیچیده‌تر از همیشه کرده است.

بازدید پرحاشیه وزیر اسرائیلی

در همین حال، ایتمار بن گویور، وزیر راست‌گرای افراطی اسرائیل، روز یکشنبه با حضور و اقامه نماز در حساس‌ترین مکان مذهبی اورشلیم (قدس)، موجی از محکومیت و نگرانی را در منطقه برانگیخت؛ اقدامی که به گفته تحلیلگران، می‌تواند بحران فعلی را وارد مرحله‌ای جدید و پرتنش‌تر کند. این بازدید در حالی انجام شد که بیمارستان‌های غزه از جان‌باختن دست‌کم ۳۳ فلسطینی دیگر در جریان تلاش برای دریافت کمک غذایی خبر دادند و هم‌زمان انتقادهای جهانی به شرایط قحطی‌گونه در این منطقه محاصره‌شده شدت گرفته است.

محوطه‌ای که یهودیان از آن با عنوان «کوه معبد» یاد می‌کنند، مقدس‌ترین مکان دینی در آیین یهود به‌شمار می‌رود و در گذشته معابد عهد عتیق در آن قرار داشته است. مسلمانان این مکان را «حرم شریف» می‌خوانند که امروزه میزبان قبه‌الصخره و همچنین مسجدالاقصی، اماکن مهم جهان اسلام است. ورود و دعاخواندن مقامات اسرائیلی در این محل، همواره از نگاه جهان اسلام اقدامی تحریک‌آمیز محسوب می‌شود و طبق وضعیت موجود، یهودیان صرفاً حق بازدید دارند و نمازخواندن آنان ممنوع است؛ پلیس و نیروهای امنیتی اسرائیل نیز تأمین امنیت این بازدید‌ها را بر عهده دارند. پس از این اقدام جنجالی، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل اعلام کرد که تغییر در قواعد حاکم بر این مکان رخ نخواهد داد. ایتمار بن گویور، وزیر مورد اشاره، پس از بازدید از مسجدالاقصی، نه‌تنها خواستار الحاق نوار غزه به خاک اسرائیل شد، بلکه بار دیگر بر لزوم مهاجرت فلسطینی‌ها از این منطقه تأکید کرد؛ اظهاراتی که به باور ناظران، مسیر مذاکرات برای پایان‌دادن به جنگ را بیش از پیش دشوار کرده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختن های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۱۶۰۰۱۰۱۴۴۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختن های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرف مالکانه بالاعراض متقاضی آقای احمد فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۳۳۴۱۱۵۰۴۶ ۳۳۴۱۱۵۰۴۶ کد ملی ۳۳۴۱۱۵۰۴۶ صادره از کرمانشاه به ادرس کرمانشاه - معبر مقابل انحر روستای گاونده - خیابان شهید عسگری - کوچه دکتر افقنی مبتنی بر صدور سند مالکیت نسبت به زمین زروعی مشای به مساحت ۱۱۸۹,۴۰ مترمربع در قسمتی از قطعه ۲ تفکیکی از پلاک ۱۴۸ اصلی روستای گاونده و پیرجانی واقع دربخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک همچنین انتقال ملک از مالک رسمی مشای ازمیردخت طایفه به صورت به اوسلحه به متقاضی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب بر دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و یا به این اداره تسلیم و یا به صورت تقدیم بدیهی است در ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت افضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۷/۱۳۹۶/۱۲/۱۲ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

سجاد مویدی
رئیس ثبت اسناد واملاک ۲۶۰۲

سجاد مویدی

رئیس ثبت اسناد واملاک ۲۶۰۳

ازسرگیری اخراج اجباری پناهجویان افغان از پاکستان

شرق: دولت پاکستان پس از پایان مهلت قانونی اقامت پناهجویان افغان، روند اخراج اجباری آنها را بار دیگر از سر گرفت. براساس تصمیم تازه مقامات، حدود ۱.۴ میلیون افغانستانی دارای کارت شناسایی ویژه پناهنده‌گی که مهلت اعتبارشان در پایان ماه ژوئن به سر رسیده بود، در معرض بازگردانده‌شدن به افغانستان قرار گرفته‌اند. بسیاری از این افراد امیدوار بودند بتوانند دست‌کم یک سال دیگر در پاکستان بمانند تا فرصت کافی برای فروش اموال، تسویه کسب‌وکار و سروسامان‌دادن به امور شخصی خود پیش از بازگشت به افغانستان را داشته باشند. افزون بر دارندگان کارت ثبت‌نام پناهندگی، حدود ۸۰۰ هزار افغانستانی دیگر نیز با کارت شهروندی افغان در پاکستان زندگی می‌کنند که به گفته پلیس، آنها نیز فاقد وضعیت قانونی محسوب شده و در حال حاضر، پیش از اخراج، در ایالت‌های پنجاب شرقی، بلوچستان جنوب غربی و سند جنوبی بازداشت می‌شوند. این تصمیم، واکنش انتقادی کمیساررای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد را به دنبال داشت. براساس گزارش ماه ژوئن کمیساررای عالی پناهندگان سازمان ملل، فقط در سال جاری تاکنون دست‌کم ۱.۲ میلیون افغانستانی ناچار به بازگشت از ایران و پاکستان شده‌اند. اخراج گسترده پناه‌جویان می‌تواند وضعیت شکننده افغانستان را که پس از به قدرت رسیدن طالبان در سال ۲۰۲۱ همچنان ناپایدار است، با چالش‌های جدی‌تری روبه‌رو کند. طبق اطلاعیه دولت پاکستان که در ۳۱ جولای منتشر شد و به رؤیت آسوشیتدپرس رسیده است، بازگرداندن همه دارندگان کارت‌های منقضی‌شده ثبت‌نام پناهندگی به افغانستان قطعی است. در این اطلاعیه تأکید شده افغانستانی‌هایی که فاقد گذرنامه معتبر و ویزای پاکستان هستند، به عنوان مهاجر غیرقانونی شناخته می‌شوند و باید مطابق قوانین مهاجرت این کشور به افغانستان بازگردند. بر پایه اظهارات دو مقام دولتی و امنیتی که نتخواستند نام‌شان فاش شود، پلیس سراسر پاکستان در حال بازداشت افغانستانی‌ها و انتقال آنها به گذرگاه‌های مرزی است. این منابع تأکید کرده‌اند که هنوز خبری از بازداشت‌های گسترده یا دستگیری‌های جمعی نیست و مأموران صرفاً با مراجعه به خانه‌ها و بازرسی تصادفی، اقدام به شناسایی و بازداشت اتباع خارجی بدون مدرک قانونی می‌کنند. تشکیل خان، کمیسر امور پناهندگان افغانستانی در ایالت خیبر پختونخوا، با تأیید روند اخراج‌ها اعلام کرد: «افغان‌هایی که به طور غیرقانونی در پاکستان اقامت دارند، به شکلی محترمانه بازگردانده می‌شوند». او این عملیات جدید را مهم‌ترین گام دولت فدرال اسلام‌آباد در این زمینه دانست. در چهار دهه اخیر، میلیون‌ها افغانستانی برای فرار از جنگ، ناامنی سیاسی و مشکلات اقتصادی به پاکستان گریخته‌اند. این‌ دور جدید اخراج، پس از آغاز عملیات سراسری سال ۲۰۲۳ علیه مهاجران غیرقانونی، شتاب بیشتری گرفته است. وزارت کشور پاکستان که مسئول این عملیات، است تاکنون واکنشی به انتقاده‌ها نشان ن داده است. قیصرخان افریدی، سخنگوی کمیساررای عالی پناهندگان سازمان ملل، با ابراز نگرانی عمیق از اقدامات اخیر دولت پاکستان گفت: «بازگرداندن مردم به این شیوه، به معنای بازگشت اجباری و نقض تعهدات بین‌المللی یک کشور است». او از دولت پاکستان خواست رویکردی انسانی در پیش بگیرد و زمینه بازگشت تدریجی، داوطلبانه و محترمانه افغانستانی‌ها را فراهم کند.